

سجاده ابریشمین اصفهان، میرزا مخدوم شریفی و مقام قاضی القضاة مکه

صفورا برومند*

چکیده

در ۷ اکتبر سال ۲۰۰۹ میلادی / ۱۵ مهر ۱۳۸۸ ش. سجاده‌ای ابریشمین متعلق به دوره صفوی در حراج ساتبیز لندن معرفی و فروخته شد. این سجاده تا به امروز دومین قالیچه‌ی گرانبیست جهان شناخته شده است که در این حراج بین‌المللی به فروش رسیده است. در کاتالوگ حراج با فرض برخی احتمالات، تاریخ این سجاده مقارن دوران حکمرانی شاه عباس اول ذکر شده است. اما بازخوانی متن سجاده و انطباق آن با مستندات تاریخی حقایق دیگری را در بر دارد. در این مقاله ضمن بررسی ویژگی‌های این سجاده و بازخوانی نشانه‌های نوشتاری و هنری آن، تاریخ، علت و پس‌زمینه سیاسی - اجتماعی بافتن آن معرفی می‌شود. حاصل این پژوهش، از بافتن این سجاده به سفارش میرزا مخدوم شریفی، وزیر شاه اسماعیل دوم برای پناهندگی او به عثمانی و منصوب شدن او به مقام قاضی القضاة مکه حکایت می‌کند.

واژگان کلیدی: سجاده‌های صفوی، میرزا مخدوم شریفی، پناهندگی، امپراتوری عثمانی.

۱. مقدمه

آثار هنری کهن، از جمله منابع ارزشمند برای پژوهش‌های تاریخی به شمار می‌روند. از آن جا که اسناد به این آثار مستلزم آشنایی به رشته‌ی هنری خاص است، در کمتر پژوهش تاریخی از این آثار استفاده می‌شود و بیشترین توجه پژوهشگران معطوف بر بازخوانی

* استادیار پژوهشکده تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی s.borumand@ihcs.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۲/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۴/۱۰

کتاب‌ها و اسناد است. حال آن که آثار هنری بازمانده از ادوار تاریخی، مستندات خالص به شمار می‌روند که در متن زمانه‌ی خود تولید شده و فارغ از دیدگاه و جهت‌گیری مورخ، نشانه‌هایی از تاریخ محض دوران مورد بحث را ارائه می‌کنند. از اینروست که کارل گنهارد لامپرشت (Karl Gotthard Lampercht) مورخ آلمانی که معتقد بود تاریخ در جوهره و بنیاد خود علمی اجتماعی و روان‌شناختی است، پژوهش‌های تاریخ اقتصادی و هنری خود را بر بازشناسی آثار هنری به عنوان سند تاریخی متمرکز کرد. مورخان تاریخ اجتماعی چون ژرژ دابی (Georges Duby) نیز پژوهش در حوزه‌ی هنر و معماری را پس از سال‌های تحقیق در عرصه تاریخ اجتماعی آغاز کردند. (Smith, 1991: 17) در واقع، تاریخ اجتماعی عرصه‌ای از پژوهش‌های تاریخ را در بر دارد که آثار هنری خلق شده از بطن جامعه، یکی از مهم‌ترین منابع آن به شمار می‌روند.

گذشته از آثار هنری موجود در موزه‌ها که عمدتاً به عنوان مستندات تاریخی مورد توجه قرار می‌گیرند، تعداد درخور توجه و ارزشمندی از این آثار در مجموعه‌های خصوصی نگهداری می‌شود. برخی از این آثار شناسایی شده و اطلاعات مرتبط با زمان، مکان و تولیدکننده یا خالق آنها مشخص است. اما شناسایی برخی آثار با احتساب برخی احتمالات بوده است و بدین ترتیب، زمینه برای بازشناسی آنها فراهم است. برخی از این آثار به پس‌زمینه‌ای تاریخی مرتبط می‌شوند و به عنوان سندی موثق در بازشخوانی تاریخ به کار می‌روند. آثاری از این دست در بیشتر موارد به طور اتفاقی از جمله هنگامی شناسایی می‌شوند که این آثار برای ارائه در نمایشگاه‌های موقتی یا حراج‌های خاص بین‌المللی به نمایش در می‌آیند. از جمله‌ی این آثار، سجاده‌ای است ابریشمین بازمانده از عصر صفوی که در این پژوهش علت و زمینه‌ی اجتماعی-سیاسی که به بافتن آن منجر شد و رخداد‌های تاریخی مرتبط با آن بررسی و معرفی می‌شود.

۲. معرفی سجاده

در ۷ اکتبر سال ۲۰۰۹ میلادی / ۱۵ مهر ۱۳۸۸ ش. سجاده‌ای ابریشمین متعلق به دوره صفوی در حراج ساتبیز لندن معرفی و فروخته شد. این سجاده دومین قالیچه‌ی گرانبه‌ای است که تا به حال در حراج‌های رسمی بین‌المللی به قیمت ۴/۳۳۵/۴۱۵/۶۳ دلار، معادل ۲/۷۲۹/۲۵۰ پوند به فروش رسیده است.^۱ موسسه‌ی فدرال سوئیس تکنولوژی زوریخ

(Swiss Federal Institute of Technology in Zurich - ETHZ) پس از انجام مطالعات و آزمایش کربن ۱۴، تاریخ سجاده را با احتمال ۹۵/۴ درصد به حدود ۸۵۴ تا ۱۰۵۰ ق. / ۱۴۵۰ تا ۱۶۴۰ م. نسبت می‌دهد. (با احتساب ۲/۳ درصد کمتر یا بیشتر از این تاریخ) بنا بر این، طبق محاسبه این موسسه نزدیک‌ترین زمان مورد محاسبه می‌تواند با احتساب ۳۹/۶ درصد حدود ۹۵۷ تا ۱۰۴۰ ق. / ۱۵۵۰ تا ۱۶۳۰ م. باشد.^۲ این سجاده به مجموعه رودلف مارتین Rudolf Martin (۱۹۲۵-۱۸۶۴ م.) پروفیسور انسان‌شناس معروف و مدرّس دانشگاه زوریخ و دانشگاه مونیخ تعلق داشته است.

توصیف این سجاده از نظر شیوه‌ی بافت، مبین کیفیت و ارزشمند بودن آن است:

تار: ابریشم، آبی روشن

پود: ابریشم، روناسی

گره: ابریشم، نامتقارن، عاجی، زرد، هلویی، زیتونی، قرمز، سبز زمردی، سبز تیره، آبی سبز روشن، نیلی، آبی تیره، گردویی تیره (بخش‌هایی اکسیده شده است)، صورتی تیره، لاک‌ی، روناسی تیره، قرمز تیره (فقط برای عبارت سلطان مراد) در مجموع ۱۵ رنگ.

کتیبه مرکزی در محراب از پشم شتر رنگ شده.

گل برجسته ابریشم: عاجی، آبی روشن، آبی مایل به خاکستری، صورتی روشن، روناسی تیره، روناسی روشن (در مجموع ۶ رنگ)

زرباف: ابریشم، نقره، ابریشم زرد برای زمینه محراب و متن کتیبه‌ها، ابریشم عاجی برای

حاشیه کوچک ترنج‌ها

ریشه‌ها از ابریشم لاک‌ی

تراکم: 8 V/9 H در سانتی‌متر

ابعاد تقریبی: ۱۶۳ در ۱۱۰ سانتی‌متر

این سجاده‌ی ابریشمین از جمله مجموعه قالیچه‌ها و قالی‌هایی است که به توپکاپی (Topkapi) یا سالتینگ (Salting) معروفند. اطلاق نام قالی‌های توپکاپی بدین سبب است که از ویژگی‌های مجموعه‌ای از دست‌بافت‌های زیرانداز مرغوب متعلق به مجموعه کاخ‌های توپکاپی (توپقاپو سرای) در استانبول برخوردارند. سی و پنج قطعه از این قالی‌ها در مجموعه کاخ - موزه توپکاپی استانبول نگهداری می‌شود و حداقل بیست نمونه نیز در موزه‌های غربی شناسایی شده است که احتمالاً آنها نیز به توپکاپی تعلق داشتند. (Eiland;

(Pinner, 1999: 42-67) این فرش‌ها احتمالاً طی جنگ‌های روسیه و عثمانی در ۷۸-۱۸۷۷ م. / ۱۲۹۵-۱۲۹۴ ق. فروخته شده و به اروپا راه یافته است. (Mills, 1000: 10) بدین ترتیب، مجموعه‌داران معروف، قالی‌های توپکاپی را خریدند و امروزه برخی از این آثار در موزه فرش تهران، موزه هنر متروپلیتن، نیویورک و گالری هنری والتر در بالتیمور نگهداری می‌شوند.^۳

اطلاق نام سالتینگ به این قالی‌ها نیز از اینروست که جرج سالتینگ مجموعه‌دار استرالیایی (۱۹۰۹-۱۸۳۵ م.) مالک تعدادی از این آثار بود که پیش از مرگ در سال ۱۹۰۹ م. به موزه ویکتوریا و آلبرت اهدا کرد. اگرچه برخی، این مجموعه را کپی‌هایی از آثار دوره صفوی قلمداد می‌کنند که در اواخر قرن نوزدهم تولید شده‌اند،^۴ محققان تاریخ هنر و فرش ایران، از جمله آرتور اپهام پوپ (Arthur Upham Pope)، آن‌ها را نمونه‌های عالی از بافته‌های صفوی می‌نامند.^۵ در ۱۳۸۷ ش. / ۱۹۹۹ م. مایکل فرانسس (Michael Franses) پژوهشگر و کارشناس منسوجات قدیمی، هشتاد و نه نمونه از قالیچه‌های سجاده‌ای که بخشی از مجموعه سالتینگ یا توپکاپی بودند را بررسی کرد. (Franses, 1999; Eiland, 80-81) پژوهش درخصوص قالی‌های موسوم به سالتینگ هنوز نیز ادامه دارد و در سال ۲۰۱۰ م. نیز آنا راکوئل سانتوس چند نمونه از این قالی‌ها در پرتغال شناسایی و بررسی کرد. (Santos, 2010) شایان ذکر است که تعداد اندکی از سجاده‌های عصر صفوی با این کیفیت باقی‌مانده است. از جمله نمونه‌ای که در ۱۳ اکتبر سال ۲۰۰۵ م. در حراج کریستی فروخته شد و در نمایشگاه موزه بریتانیا که از ۱۹ فوریه تا ۱۴ ژوئن در موزه بریتانیا با عنوان «شاه عباس، بازسازی ایران» برگزار شد، به نمایش در آمد و در کاتالوک شیلا کنبای معرفی شد. (Canby, 2009: 80-81, Pl. 45)



۳. طرح سجاده

این سجاده با طرحی از گل‌های شاه عباسی که با چرخشی در مسیر خطوط منحنی در هم تنیده‌اند، طراحی بخش بالای آن به صورت هلالی شکل که مبین سجاده بودن آن است و حاشیه‌ای به شکل معمول قالی‌های ایرانی با نقش گل و بته به اضافه‌ی کتیبه‌هایی که در سراسر حاشیه طراحی شده‌اند،^۶ کاملاً از ویژگی‌های قالی‌های عصر صفوی در قرن دهم و یازدهم هجری قمری برخوردار است.^۷ شیوه‌ی طراحی نقوش سجاده‌ی ابریشمین، انتخاب رنگ‌ها و ترکیب دقیق این دو عنصر، سجاده را به تصویری زیبا و آرامش‌بخش تبدیل می‌کند. گویی سجاده دریچه‌ای از نمای بهشت را در برابر بیننده می‌گشاید.

نقش این سجاده به قالیچه‌ای در موزه مولانا در قونیه شباهت دارد که به «قالیچه مرغوب رقص درویشان ایرانی» معروف است و مانند سجاده‌ی مورد بحث از پشم و ابریشم و تار و پود زربفت است. (Eiland; Pinner, 1999: 101) بافت این قالیچه را به یزد و حدود سال ۱۵۹۰ م. / ۹۹۸ ق. نسبت داده‌اند.^۸ هر دوی این قالی‌ها با کتیبه‌هایی در حاشیه تزیین شده‌اند با این تفاوت که در قالیچه‌ی درویشان رقصان، نمادی از کعبه نیز در هلال فوقانی به چشم می‌خورد. به نقل از کتاب راهنمای موزه‌ی مولانا که در سال ۱۹۳۰ م. منتشر شده است، این فرش را «سلطان عثمانی در بازگشت از سفر به ایران به مقبره مولانا

هدیه کرده است» (Eiland; Pinner, 1999: 101) در ادامه‌ی این پژوهش صحت و سقم این عبارت بررسی می‌شود.



۴. متن کتیبه‌ی سجاده

در کاتالوگ حراج ساتبیز چینین می‌خوانیم که بر اساس متن کتیبه‌ها، این سجاده هدیه‌ای دیپلماتیک بوده است که احتمالاً به مناسبت انعقاد عهدنامه‌ی صلح بین دو کشور در سال ۹۹۸ ق. / ۱۵۹۰ م، از سوی دربار صفویان برای دربار عثمانی فرستاده شده است. در ادامه متن کاتالوگ ساتبیز چینین می‌خوانیم که در متن این قالیچه نام سلطان مراد در کتیبه‌ی بخش فوقانی سجاده سمت چپ بافته شده است که می‌تواند سلطان مراد سوم (حک. ۱۵۷۴-۱۵۹۵ م. / ۸۹۲-۱۰۰۳ ق.) باشد و قالیچه را احتمالاً شاه عباس (حک. ۱۵۸۷-۱۶۲۹ م. / ۹۹۵-۱۰۳۸ ق.) فرستاده است. سپس چینین می‌خوانیم که در یکی از کتیبه‌های سجاده نام میرزا مخدوم بافته شده است.^۹ متن کتیبه‌های این سجاده شعری است

صفورا برومند ۷

به خط نستعلیق که از کتیبه سمت راست پایین شروع می‌شود و در جهت عکس حرکت عقربه‌های ساعت حرکت می‌کند، بدین مضمون:
تا ارض و سما نشان باشد، ال عثمان خدایگان باشد، بر سریر عدالت و اقبال، تا ابد شاد
و کامران باشد، زینت افزای خطبه و سکه، نام سلطان مراد خان باشد، در عجم هم بروم و
عرب، [... قهرمان باشد]، بهار تو را خزان مرساد، تو جوان باش تا جهان باشد، خاک پایت
چو میرزا مخدوم، اشرف خیل داعیان باشد.



۸ سجاده ابریشمین اصفهان، میرزا مخدوم شریفی و مقام قاضی القضاتی مکه



islamic-arts.org

۵. میرزا مخدوم شریفی و سجاده ابریشمین

در منابع عصر صفوی از جمله در آثار حسین بیگ روملو، اسکندر بیگ ترکمان و واله اصفهانی میرزا نیز در منابع عثمانی از جمله در آثار مصطفی افندی سلانیکلی و حاجی خلیفه اطلاعاتی درخصوص میرزا مخدوم شریفی ارائه شده است. میرزا مخدوم در کتاب خود النواقض نیز بخشی از رخدادهای زندگیش را بیان کرده است. مقاله علامه محمد قزوینی با عنوان شرح احوال میرزا مخدوم شریفی در فرهنگ ایران زمین (۱۳۳۲) که پس از مشاهده خط او بر نسخه‌ای از نهج البلاغه نوشته شده است، از نخستین پژوهش‌های معاصر درخصوص این شخصیت به شمار می‌رود. مقاله علی یزدی با عنوان ناگفته‌هایی از مصائب النواصب که در کتاب ماه دین (۱۳۸۶) منتشر شده است نیز اطلاعات جامعی از زندگی میرزا مخدوم به دست می‌دهد. رساله‌ی دکترای رزماری استنفیلد جانسون با موضوع میرزا مخدوم شریفی: یک صدر سنی قرن شانزدهم در دربار صفوی (۱۹۹۳) و مقاله شهره گل‌سرخ‌ی با عنوان اسماعیل دوم و میرزا مخدوم شریفی (۱۹۹۴) حدفاصلی در تاریخ صفوی که در مجله بین‌المللی مطالعات شرق میانه منتشر شده است نیز از دیگر آثار جامع درخصوص زندگینامه این شخصیت به شمار می‌روند.

با تکیه بر این آثار می‌دانیم که جد مادری میرزا مخدوم شریفی، روح‌الله قاضی جهان، در دوره‌ی شاه طهماسب به صدارت رسیده است (اسکندربیک ترکمان، ۱۳۸۲: ۱۴۸/۱) و به تسنن شهرت داشته است. قاضی جهان به دنبال مناقشات قزلباشان روملو و استاجو به گیلان رفت و مدتی زندانی شد. سپس دوباره به مقام صدارت رسید. اما مدتی بعد بار دیگر به واسطه مناقشه با مظفر سلطان مرشد نوربخشیه، ده سال زندانی شد. (حسن بیگ روملو، ۳۷۴-۳۷۵) اما جلال منجم در تاریخ عباسی او را فرزند دختر میرزا شرف جهان از شاعران درباره شاه طهماسب معرفی می‌کند. (جلال منجم، ۴۱۶) پدر میرزا مخدوم شریفی از سادات زمین‌دار شیراز و از کارگزاران صفویان در آن سامان بود. میرزا مخدوم شریفی (۱۵۴۴/۵-۱۵۸۷ م. / ۹۵۰-۹۵۵ ق.) در حدود ۹۴۷ یا ۹۴۸ ق. در شیراز متولد شد. (یزدی، ۱۳۸۶: ۵۲) در هفده سالگی همراه با پدر به قزوین رفت. اسکندر بیگ ترکمان وضعیت او را در قزوین عصر شاه طهماسب چنین توصیف می‌کند:

در درگاه معلی بسر می‌بردده صاحب فضل و کمال بود فهم و فطرت عالی داشت مفسر و محدث خوب بود و بسیار خوش محاوره بود وعظ را خوب میگفت و اکثر اوقات ایام متبرک در مسجد حیدریه قزوین قرب جوار خانه خود بگفتن وعظ اشتغال داشت. جمعیتی

عظیم در پای منبر وعظ او میشد. چون تهمت آلود تسنن بود از حضرت شاه جنت بارگاه
زیاده توجه و التفاتی نمییافت. (ترکمان، ۱۳۸۲: ۱۴۹/۱)

میرزا مخدوم شریفی سرانجام به علت همجواری با اقامتگاه سلطنتی، مورد توجه
پریخان خانم دختر شاه طهماسب قرار گرفت و بدین ترتیب در زمان شاه اسماعیل دوم
بخشی از مقام وزارت به او اعطا شد. (ترکمان، ۱۳۸۲: ۱۴۹) به نظر علامه قزوینی اوایل
سال ۹۸۴ ق. و کمی بعد از به سلطنت رسیدن اسماعیل دوم را سال این انتصاب می‌داند.
(قزوینی، ۱۳۳۲: ۵۹) اسکندر بیگ ترکمان شرح کاملی از نفوذ او در دربار شاه اسماعیل
دوم و تاثیر وی بر ترویج تسنن و مقابله با شیعیان یا تیرائیان را توصیف می‌کند. (ترکمان،
۱۳۸۲: ۱۴۹) قاضی احمد قمی و ملا جلال منجم نیز بر تلاش او بر رواج تسنن و انتشار
مذهب شافعی تاکید می‌کنند. (حسینی قمی، ۱۳۶۳: ۶۳۳/۲، ملا جلال منجم، ۱۳۶۶: ۴۰)
فسائی برخی تاثیرات او بر گرایش شاه اسماعیل دوم به مذهب تسنن را چنین توصیف
می‌کند:

جناب میرزا مخدوم معروض داشت که در زمان امیر تیمور در میان عالم، مخالفت
مذهبی نبود و امروز جز مخالفت نیست، چون مذهب جمهور بر تسنن است و می‌دانید که
اهل سنت جان می‌دهند و تغییر مذهب نمی‌دهند و چون پادشاه به عزم جهانگیری نهضت
کند تمامت مردم اجتهاد او را حمل بر ترویج مذهب شیعه می‌دانند و ذکور و اناث تا جان
در بدن دارند در مقام دشمنی برمی‌آیند و جریان این خیال به اختیار دو مطلب است: یا قتل
عالمیان یا تغییر مذهب شیعه، هر کدام مختار پادشاه باشد، مقرون به صواب است و شاه
اسماعیل سر در فکر برده، فرمود: قتل عالمیان ممکن نشود، لیکن مذهب امری قلبی
می‌شاید مذهب را مخفی داشت و به اعلان شعار مذهب اهل سنت و جماعت امر فرمود و
آن اندیشه باطل موافق مزاج پادشاه افتاد. (فسائی، ۱۳۶۱: ۴۱۶/۱)

اقدامات او موجب بروز برخی مخالفت‌ها در دربار شد. اما حمایت شاه اسماعیل دوم از
میرزا مخدوم، مانع از سلب موقعیت او شد. سرانجام شاه اسماعیل نیز برای تحکیم موقعیت
خود میرزا مخدوم را زندانی کرد. این اتفاق احتمالاً کمی پیش از مرگ وی رخ داده است.
(قزوینی، ۱۳۳۲: ۶۲) پس از مرگ شاه اسماعیل دوم، (۹۸۵ ق.) میرزا مخدوم تحت حمایت
پریخان خانم که برای مادر او احترام خاصی قائل بود، به قصد زیارت عتبات عالیات به
بغداد رفت. علامه قزوینی اواخر سال ۹۸۵ ق. را به عنوان سال این سفر قلمداد می‌کند.
(قزوینی، ۱۳۳۲: ۶۳-۶۲) به نقل از وی، میرزا مخدوم شریفی در ۱۵ ربیع‌الاول ۹۸۹ ق.

پیش از سفر بغداد به قسطنطنیه نسخه‌ی نهج البلاغه را تصحیح کرده است. (قزوینی ۱۳۳۲: ۶۸)

در این مقطع تاریخی است که تار و پود سجاده ابریشمینی که در حراج ساتبیز به عنوان دومین قالیچه‌ی گرانبهای جهان به فروش رسید، با زندگینامه‌ی میرزا مخدوم گره می‌خورد. میرزا مخدوم شریفی به نقل از بورینی در تراجم‌الاعیان به وان رفت و سپس به آمد رفت (بورینی، ۵۳/۲) و با حمایت درویش پاشا حاکم دیار بکر و سعدالدین معلم سلطان مراد دوم، منصب قاضی‌القضاتی آن سامان به وی اعطا شد. دو سال بعد نیز به قضاوت در طرابلس و شام مشغول بود. تا این که به استانبول و دربار سلطان مراد دوم فراخوانده شد. متن سجاده ابریشمین مبین برنامه‌ای از پیش تعیین‌شده از سوی میرزا مخدوم است تا به دربار سلطان مراد راه یابد. گویی او پیش از سفر زمینه‌ی بافت این سجاده را فراهم کرده است تا برای پناهندگی به دربار عثمانی هدیه‌ی ارزشمند و درخور شأن سلطان را به همراه داشته باشد. شرکت او به عنوان امام جماعت در نماز استسقاء و بارش باران بر منزلت او نزد سلطان افزود و به مقام قاضی‌القضاتی مکه منصوب شد. سه سال بعد به استانبول بازگشت و به رغم درخواست برای اسکان در مکه، سلطان مراد او را به سمت قاضی عسکر آناتولی و روملی منصوب کرد. میرزا مخدوم سپس به مکه بازگشت و در سال ۹۹۵ ق. در همان جا درگذشت. از آثار او النواقض فی الرد علی الروافض است که در نخستین سفر حج نگاشت و در سال ۹۸۷ ق. در استانبول به پایان رساند. قاضی نورالله شوشتری در ۹۹۵ ق. کتاب مصائب النواصب را در رد آراء او نگاشت. قاضی نورالله شوشتری در مقدمه مصائب النواصب، میرزا مخدوم را خطاب قرار می‌دهد و به سبب راهی که در پیش گرفته است، نکوهش می‌کند. (تستری، ۱۴۲۶: ۶۲-۶۰) بروکلیمان در تاریخ ادبیات عرب از دومین کتاب او با عنوان ذخیره العقبی فی ذم الدنیا یاد کرده است که به عقیده‌ی علامه قزوینی دلیل روشنی برای این انتساب وجود ندارد. (قزوینی، ۱۳۳۲: ۶۵) آن چه در پایان زندگی میرزا مخدوم شریفی حائز اهمیت است، نقل قولی است از مقدس اردبیلی در حدیقه الشیعه در باب حب جاه و منصب دوستی دنیا و حکومت دنیا و این که:

میرزا مخدوم شریفی مشهور که در مکه مشرفه منصب نقابت و خطابت داشت و اظهار تسنن تا بحدی میکرد که نواقض الروافض را نوشت و در آنجا چیزی جز چند ذکر نمود و افتراها کرد که هیچ ناصبی نکند و نگوید در حال مردن بمحرمی وصیت کرد که مرا غسل و کفن و دفن بروش امامیه خواهید کرد و آنمرد گفت تو هر گاه باین عقیده بودی آنها را چرا

میگفتی و مینوشتی آهی کشیده اشک بچشم آورده گفت حب جاه حب جاه حب جاه سه بار این بگفت و جان سپرد. (مقدس اردبیلی، ۱۳۵۰: ۷۸۰)

۶. نتیجه گیری

شناسایی سجاده‌ی ابریشمینی که در حراج ساتبیز به عنوان یکی از گرانبهاترین قالیچه‌های جهان به فروش رسید، گوشه‌ی دیگری از زندگی پر رمز و راز میرزا مخدوم شریفی را آشکار کرد. مورد غضب بودن در زمان طهماسب اول، راه یافتن به دربار شاه اسماعیل دوم و انتصاب به مقام صدر، نقش او در ترویج اندیشه‌ی ضد شیعی که به ایراد اتهاماتی به شاه منجر شد، فرار او پس از مرگ شاه، پناهندگی به عثمانی و انتصاب به مقام قاضی القضاة شهرهای مهم آن دیار از جمله مکه، رخدادهایی از زندگی میرزا مخدوم بود که در منابع مکتوب ثبت شده است. اما پیشکش سجاده‌ی ابریشمینی با کتیبه‌ای در مدح سلطان مراد دوم از سوی میرزا مخدوم سندی منحصر به فرد در بازشناسی عملکرد او در دربار عثمانی به شمار می‌رود و از برنامه‌ریزی هدفمند وی برای پذیرش در این ساختار حکایت می‌کند. میرزا مخدوم شریفی علاوه بر اتکا به شهرت خویش در مخالفت با تشیع، از سستی دیرینه برای جلب توجه سلطان مراد سود جست و آن پیشکش هدیه‌ای گرانبها بود که مقبول نظر سلطان قرار گرفت.

پی‌نوشت

- 1 <http://www.sothebys.com/en/auctions/ecatalogue/2009/arts-of-the-islamic-world-109723/lot.276.html> (accessed 11 October 2014)
- 2 <http://www.rugrag.com/post/Most-Expensive-Rug-Sells-in-London.aspx> (accessed 11 October 2014)
- 3 <http://www.sothebys.com/en/auctions/ecatalogue/lot.pdf.N09104.html/f/93/N09104-93.pdf> (accessed 11 October 2014)
- 4 <http://www.sothebys.com/en/auctions/ecatalogue/lot.pdf.N09104.html/f/93/N09104-93.pdf> (accessed 11 October 2014)

۵ برای آگاهی بیشتر از دیدگاه پوپ ن.ک.

A. U. Pope, "The Art of Carpet Making. A. History," in *A Survey of Persian Art III*, pp. 2257-2430.

۶ پوپ طرح آن را در لوح ۱۱۵۶ تا ۱۱۶۲ کتاب خود ارائه کرده است.

7 Rothschild/Cittone carpet, lot 221, Sotheby's New York, September 20, 2001 (accessed 11 October 2014)

8 <http://www.rugrag.com/post/Most-Expensive-Rug-Sells-in-London.aspx> (accessed 11 October 2014)

9 <http://www.sothebys.com/en/auctions/ecatalogue/2009/arts-of-the-islamic-world-109723/lot.276.html> (accessed 11 October 2014)

۷. منابع

- البورینی، حسن بن محمد (۱۹۶۳ م.)، *تراجم الاعیان*، ج ۲، دمشق.
ترکمان، اسکندیگ (۱۳۸۲)، *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، به کوشش ایرج افشار، تهران: امیرکبیر
تستری، قاضی نورالله شرف‌الدین المرعشی الحسینی (۱۴۲۶ ق.)، *مصائب النواصب فی الرد علی نواقض الروافض*، تحقیق قیس العطار، قم: دلیل ما.
حاجی خلیفه چلبی، مصطفی بن عبدالله (۱۳۷۶)، *تقویم‌التواریخ*، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: میراث مکتوب، احیاء کتاب.
حسینی قمی، قاضی احمد بن شرف‌الدین حسین (۱۳۶۳)، *خلاصه‌التواریخ*، ج ۲، تصحیح احسان اشراقی، تهران: دانشگاه تهران.
روملو، حسن بیگ (۱۳۴۲)، *احسن‌التواریخ*، تصحیح چارلس نارمن سیدن، تهران: شمس.
سلانیک، مصطفی افندی (۱۳۸۹)، *تاریخ سلانیکی*، ترجمه حسن بن علی، تصحیح نصرالله صالحی، تهران: طهوری.
قزوینی، محمد (۱۳۳۲)، «شرح‌احال میرزا مخدوم شریفی»، *فرهنگ ایران زمین*، ش ۱، ۶۹-۵۷.
مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۳۵۰)، *حدیقه‌الشیعه*، انتشارات معارف اسلامی.
منجم یزدی، جلال‌الدین (۱۳۶۶)، *تاریخ عباسی (روزنامه ملا جلال)*، به کوشش سیف‌الله وحیدنیا، تهران: وحید.
واله اصفهانی، محمد یوسف (۱۳۷۲)، *خلد برین (روضه هشتم، حدیقه‌های اول تا چهارم)*، به کوشش میرهاشم محدث، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
یزدی، علی (۱۳۸۶)، «ناگفته‌هایی از مصائب النواصب»، کتاب *ماه دین*، ش ۱۱۴ تا ۱۱۶، اردیبهشت-خرداد، ۵۵-۵۰.

- Canby, Sheila R. (2009). *Shah 'Abbas; the Remaking of Iran*, London.
- Eiland, M.L., Jr. and Pinner, Robert (1999). *Oriental Carpet and Textile Studies*, vol. V, part 2: *The Salting Carpets*, ICOC, .
- Franses, Michael (1999), "Some Wool Pile Persian-Design Niche Rugs," *Oriental Carpet and Textile Studies*, volume V, part 2, Danville, California.
- Golsorkhi, Shohreh (1994), "Ismail II and Mirza Makhdum Sharifi: an Interlude in Safavid History", *International Journal of Middle East Studies*, pp. 477-488.
- <http://www.rugrag.com/post/Most-Expensive-Rug-Sells-in-London.aspx> (accessed 11 October 2014)
- <http://www.sothebys.com/en/auctions/ecatalogue/2009/arts-of-the-islamic-world-109723/lot.276.html> (accessed 11 October 2014)
- <http://www.sothebys.com/en/auctions/ecatalogue/lot.pdf.N09104.html/f/93/N09104-93.pdf>
- <http://www.sothebys.com/en/auctions/ecatalogue/lot.pdf.N09104.html/f/93/N09104-93.pdf> (accessed 11 October 2014)
- MILLS, John (1999). *The Salting group: a history and a clarification*. *Oriental Carpet and Textile Studies*, 5 ii, pp.1-17.
- Pope, A. U. (1939). "The Art of Carpet Making. A. History," in *A Survey of Persian Art III*, pp. 2257-2430.
- Rothschild/Cittone carpet, lot 221, Sotheby's New York, September 20, 2001.
- Rothschild/Cittone carpet, lot 221, Sotheby's New York, September 20, 2001 (accessed 11 October 2014)
- Santos, Ana Raquel (2010). *The Discovery of Three Lost 'Salting' Carpets: Science as a Tool for Revealing Their History*, Lisbon: Universidade Nova De Lisboa.
- Smith, J. W. (1991). "History in Art," *Art in History, History in Art: Studies in Seventeenth – Century Dutch Culture*, Edited by David Freedberg and Jan de Vries, Santa Monica: Getty Center for the History of Art and the Humanities.
- Stanfeild-Jonson, Rosemary (1993), *Mirza Makhdum Sharifi: a 16th Century Sunni Sadr at the Safavid Court*, Ph.D. Diss, New York University.
- Thompon, John (2006). *Milestones in the History of Carpets*, Milan. 220-223; "Auction Price Guide," *Hali*, issue 144, p. 115.